

## سخن هفته: پول مالیه بر کریدت کارتهای شما به کدام سوراخ می‌رود؟

اشرف‌غنی، اثری را تحت نام "بازسازی دولتهای شکست خورده" نوشته و عملاً با همین شعار تند و تیز وارد میدان سیاست و رهبری در افغانستان گشت؛ اما دیری نپایید که در میدان عملی این "دولت‌سازی" به بحران‌سازی تغییر نام داد. از بهبود دسترخوان مردم تا اشتغال‌زایی و کاهش فقر از موضوعات فریادهای کمپاینی او بود، که حالا برعکس از آب برآمده.

غنی که از پرورش یافته‌های مکتب سرمایه‌داری است با معیار این نوع طرز تفکر در اوایل حکومتش دست به یک سری اقداماتی زد که فشار بزرگی به جیب، گلو و شکم مردمان فقیر افغانستان وارد ساخت؛ که یکی از آنها وضع مالیات - خصوصاً مالیات ده در صدی بر کریدت کارت‌ها - می‌باشد. هرچند این طرح مورد استقبال قرار نگرفت و پارلمان آن را رد کرد ولی اشرف‌غنی و دارودسته‌ی غارت‌گرش به این چور آشکار خود چنان پافشاری ورزیدند که حتی درین مورد - خلاف قانون اساسی نافذ افغانستان - دست به صدور فرمان تقنینی زدند. پس دولتی که قوانین خودش را زیر پا می‌کند، مردم را به صورت طبیعی زیر پا خواهد کرد.

از قراین معلوم می‌گردد که به قدرت رسیدن غنی مانند به قدرت رسیدن یک تیم بزرگ مافیایی می‌ماند که روی مافیای حکومت‌های قبلی را سفید نموده و چنان سیستماتیک و کمپیوتری فساد می‌کنند و پول به جیب می‌زنند که حساب کار از کنترل خودشان نیز رفته و بوی گندیده‌ی فسادشان برملا شده است.

یکی از آن نوع پروژه‌ها که فساد آن آشکار شده، سیستم "ریال تایم" است. هدف این سیستم جمع‌آوری شفاف مالیات بر خدمات مخابراتی است، اما با وجود گذشت چند سال از وضع مالیه بر کریدت کارت‌ها هنوز سیستم شفاف برای این کار ایجاد نشده و مردم نمی‌دانند که این پول به کدام دروازه داخل می‌شود. حکومت پس از فریاد و تشویش مردم ازین نوع مالیات به یک‌سری اقدامات نمایشی زد. وزارت مخابرات قراردادی را درین مورد با یک شرکت آمریکایی به ارزش ۱۱ میلیون دالر بست که کارشناسان امکانات آن را در میان شرکتهای افغانی به ارزش ۲ میلیون دالر می‌دانستند و معلوم گردید که در قرارداد شرکتی که برای انجام این کار استخدام شده، فساد بزرگی صورت گرفته است.

البته این نوع فساد در نظام سرمایه‌داری یک امر معمول است. چون سرمایه‌داری در اصل یک نظام غارت‌گر است و توسط دزدی - جمع‌آوری مالیه - به حیات خود ادامه می‌دهد و مقاماتی که پیشه‌ی اصلی‌شان دزدی است در رأس این نظام قرار می‌گیرند.

باید دانست که مفکوره جمع‌آوری مالیات یک مفکوره راه‌حل دولتهای غربی برای پیش‌برد امور است که استوار بر وضع مالیات کمرشکن بالای مردم می‌باشد. اشرف‌غنی با چنین طرز فکری راه‌حل‌های غربی را بر جامعه افغانی "Copy-Paste" نموده، پهلوی این که در بدل این مالیات و عواید هیچ نوع خدماتی به جامعه عرضه نمی‌کند، چیزی جز بحران و افزایش فقر و بیکاری ببار نیاورده. دولت‌دارن پول‌دار گشته، سرمایه‌داران غنی‌تر شدند و حکومت این شکم‌چربی مافیایها و سرمایه‌داران را یک دست‌آورد دانسته و تحت نام بلند رفتن عواید دولت، به چشم مردم می‌زنند.

این در حالی‌ست که در نظام اسلامی گرفتن مالیات از مسلمانان نامشروع می‌باشد، جز در حالت اضطرار - زلزله، طوفان، جنگ - که آن‌هم بالای پولدارها وضع می‌گردد. در نظام اقتصادی اسلام، مالیه بالای عاید، مصرف و فروش وضع نمی‌گردد، در عوض،

اسلام زکات را بر ثروت مسلمانان وضع نموده و آنها را تشویق به صدقات می‌کند. دولت اسلامی منجیث ولی و سرپرست مسلمانان مکلف است تا آنها بشکل درست آن جمع آوری نموده و به اقشار مستحق آن تادیه نماید. پهلوی این که حاکم مسلمان (خلیفه) حق این را ندارد تا خلاف شریعت بر مال مسلمانان و حتی اهل ذمه پولی را مقرر نماید و نانی از گلوی فقیر بزند. برعکس پول قرض داری یک مسلمان - که توان پرداخت آنها ندارد - نیز بدوش حاکم مسلمان می‌باشد. تطبیق نظام اقتصادی اسلام باعث گردیده بود که سده‌ها مسلمانان در حالت بهتر رفاهی قرار داشته باشند و به تکالیف شرعی شان رسیدگی کنند.

طوری که در روایات تاریخی در مورد وضعیت زندگی امت اسلامی نقل کرده‌اند که حکمران افریقا در دوره خلافت اسلامی - دقیقاً در آغاز قرن دوم هجری - نامه‌ای به پایتخت دولت اسلامی فرستاد و در باره صدقات و زکات‌های انبوهی که نزد او جمع شده بود، جویای پاسخ شد که با آنها چه کند؟ جواب داده شد: آنها را خرج فقرا و مستضعفان کن! نامه نوشت که: این کار را کرده‌ایم، اما صدقاتی فراوانی آمده است، با آنها چه کنیم؟ جواب داده شد: کسانی را مأمور کن که در شهرها جار بزنند: «هر کس محتاج است نزد والی رود و مایحتاج خود را از صدقات بگیرد!» و عده‌ای را مأمور کن که از فقرا و نیازمندان جستجو کنند؛ زیرا ممکن است کسانی باشند که حیاء مانع مراجعه آنها به والی شود.

والی به پایتخت دولت اسلامی دو باره نامه نوشت: این کار را هم کرده‌ایم، اما باز هم صدقات اضافه آمده است. جواب داده شد: آنها را صرف مصالح عموم مسلمانان کن!

آیا جهان در سرتاسر تاریخ خود چنین وضعی را به خود دیده است؟

در واقع، در سرمایه‌داری تلاش بر این است تا با چگونه با وضع قوانین جیب قشر معلم، مامور، کسبه‌کار و دست‌فروش را غارت کنند، حالانکه در نظام اسلام بحث روی این است تا چگونه مشکلات انسان‌ها به شکل اساسی و انسانی آن حل گردد و جهان معاصر با انواع تجربه‌ها و مکاتب اقتصادی آن نتوانسته است راهکاری بهتر از اسلام را برای حل مشکلات انسان‌ها پیشکش کند.

یوسف ارسلان